



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۴/۲۵

سیدهاشم سدید

## عقل چیست؟

هموطن معزز و محترم ما جناب فدا محمد نومیر از ایالات متحده امریکا طی یادداشت مختصری به تاریخ 23.04.2020 در درجه نظریات پورتال افغان جرمن آنلاين چندین پرسش را پیرامون عقل مطرح نموده و خواهان پاسخ به پرسش های شان شده اند.

از آنجا که تنها کسی که طی چند روز گذشته در باب ارزش و اهمیت عقل طی یادداشت های چند و یکی - دو مقاله چیزهایی نوشته است، من می باشم، به احتمال زیاد حدس میزنم که این پرسش ها متوجه من خواهد بود و من باید به جواب آن ها بپردازم.

پرسش های شان چنین هستند:

1- عقل چیست؟

2- فکر چیست؟

3- ذهن چیست؟

4- عرض، طول، وزن و... عقل و فکر و ذهن چقدر است؟

5- آفریننده عقل و فکر و ذهن کیست؟

6- ... موقعیت عقل و فکر و ذهن در جسم انسان کجاست؟

7- [اگر درست فهمیده باشم] میدان کار و مشغله، یا بلندای پرواز عقل محدود است یا نامحدود؟

پاسخ های من:

1- برای شناخت تخصصی، همه جانبه، دقیق و مو به موی عقل، همینطور فکر و ذهن و محل اسکان، شیوه فعالیت، شکل و شمائل، جنسیت، کمیت و کیفیت و ارتباط هر یک با دیگری پیشنهاد من این است که اگر چنین پرسشی را به یک متخصص معطوف کنید، بهتر خواهد بود؛ آنهم اگر دانستن این موضوعات در زندگی عملی شما به شما کمکی می کند!

تعریف من از عقل همینقدر است که "عقل یکی از منابع شناخت و معرفت بشری، و نیروی است برای فرق گذاشتن، جدا کردن و تشخیص و تمییز خوب از بد، خیر از شر و درست از نادرست."

همین تعریف برای شناخت عقل به صفت یک انسان عادی برای من کافی است. تعریف و شناخت علمی عقل (هرچند دانستنش، اگر میسر باشد، خوب است) در زندگی عملی به درد من نمی خورد - به درد شما هم نخواهد خورد! یا دانستن این مطلب که عقل مثلاً در سر است یا در پای یا در شکم و...

شناخت سرشت عقل به حکم عقل زیاد مهم نیست. آنچه مهم است، به نظر من این است که ما چگونه از این نعمت شایان تمجید و مفید استفاده می کنیم؛ به چه منظوری و برای دست یافتن به چه اهداف و مقاصدی!! (بر کلمه زیاد تأکید کردم، چون پاسخ پرسش های زیادی را که می تواند برای برخی ها خلق شود، در خود نهفته دارد).

2- فرض کنید طول عقل سه متر، عرض آن یک و نیم متر و ضخامتش بیست سانتی متر است. از جنس چوب، با گره های خورد و بزرگ و متعدد و خار مانند در سر تا سر چوب، به رنگ ابلق سیاه و سفید، سخت و خیلی سنگین به نسبت بزرگی و وزن معمول چوب؛ یا کروی، مانند توپ فوتبال، از جنس فلز به رنگ فولادی و یا به زیبایی مارلین مانروی فقیه و بدقوارگی صاحب این قلم و...

دانستن این مطلب در زندگی عملی ما انسان ها در محدوده بسیار بزرگ و من شما در محدوده کوچک چه مشکلی را حل و کدام یک از گره های غامض و یکی بر سر دیگر افتاده زندگی ما را باز خواهد کرد؟

متکلمین با پرداختن به این مسائل با قیاس و حدس و گمان و تخمین و لفاظی های بسیار و بافتن لاطائلات و مهمل گویی ها که غالباً از بی کاری و برای کشتن وقت به کار می بردند - همانطور که پاره ای از ما پیران امروز از بیکاری با نوشتن برهات و مزاحمت ها به کشتن وقت مصروف هستیم - ، هیچ کاری سازنده ای در جهت شناخت سرشت عقل انجام نداده اند: "قوه نفسانی!" نفس چیست؟ و به سلسله این پرسش هزارها پرسش دیگر که همه بی جواب مانده اند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

شناختن سرشت عقل به عنوان یک انسان غیر حرفی یا غیر مسلکی نه کار من است و نه کار شما. نه از توان من ساخته است که آن را بطور قطعی و بدون نقص تعریف کنم، و نه از توان شما، اگر واقع بین باشیم.

و اگر، بالفرض، من چشم بسته و دهن باز نموده پیرامون سرشت عقل یا ذهن و فکر هر چه به ذهنم آمد و به فکرم گشت بر زبان بیاورم، چه کسی، غیر از یک متخصص، می تواند با سند و مدرکی از خود، خلاف آن را به ثبوت برساند؟

به متخصصین این کار و علم، که یکی از کارهای شان شناخت عقل و فکر و ذهن و رابطه متقابل و طرز کار و فعالیت این ها است اعتماد داشته باشید و بگذارید آن ها در زمینه کار خود را بکنند؛ بدون این که از آن ها انتظار معجزه داشته باشید.

عقل انسان محدود، و موضوعات نیازمند شناخت، بسیار پیچیده هستند! بناءً نیار به وقت و حوصله و تجربه داریم. برخورد ما با این مسائل نباید شتابزده و انتظار ما نباید مانند انتظار کودکان کم سن و کم حوصله و اسیر ذوق غیر قابل کنترل دوران طفولیت برای دریافت بازیچه باشد، یا بهانه گیری های کسانی باشد که در روز سه صد بار ناکامی علم و بیکارگی عقل را به رخ دانشمندان و واقع بینان و عقلگرایان می کشند تا به درستی و اعتبار گفته ها و باور های خود - به برداشت خود - بیفزایند!

3- پرسش مبنی بر این که آفریننده عقل و فکر و ذهن کیست، نشاندهنده این امر مسلم است که شما محترم بدون مطالعه دقیق نوشته های من به نقد نوشته و نظر من پرداخته پرسش هایی را به من راجع می سازید.

یک بار دیگر نوشته ها را بخوانید - دقت زیاد هم لازم نیست - تا ضمن دریافت پاسخ به این پرسشی مشخص تان، یک سلسله مطالب دیگر هم برای تان روشن شود.

بدون مطالعه باریک بینانه یک اثر و فهم لازم یک مطلب، نقد کردن کار ثوابی نیست، جناب نومیر صاحب!

4- سخن قبلی خویش را تکرار می کنم: من حیث یک عادت، همیشه خوب بخوانید، بعد، اگر مشکلی بود، نقد یا سؤال کنید.

5- توان عقل ما در برابر هستی (فردا به چه اندازه ازدیاد یا کاهش خواهد یافت، نمی دانم، اما امروز) مانند زور مگسی است که در پایش وزنی را بینیدید که به مشکل و با منتهای کوشش و به کار گرفتن تمام نیرویش در ماه، اگر اغراق نکرده باشم، به اندازه 0/000001 متر (یک میلیونم متر) فاصله ای را که به درازای دوری زمین از آفتاب است از پائین به بالا طی کند.

فعالاً محدود است، اما اگر عقل را به کلی معدوم نکنیم و برایش وقت و آزادی لازم داده شود، با خوشبینی ای که من دارم، به نامحدود و بی نهایت ها خواهد رسید - با وجود محدودیت هایش؛ مانند محدودیت توان یک طفل در زمان تولد برای درنوردن فاصله ای که از زمان پیدایش تا زمان مرگش پیش رو دارد، با آغاز اولین قدم در طفولیت و آخرین قدم در کهولت و آخرین دقیق زندگی؛ با این تفاوت که عمر عقل چون با عمر نوع انسان رابطه و بستگی دارد، تا نوع انسان حیات دارد امتداد می یابد و به تبع آن به پیش رفتنش و گشودن باب های تازه در عرصه شناخت هستی چنان که بود و هست و خواهد بود ادامه خواهد یافت!

زندگی پر از خوشی و آرامی برای تان آرزو می کنم جناب نومیر صاحب. از شر کرونا و سائر آفات زمینی و آسمانی در امان باشید!!